

مقدمه

هرچند گسترش هر یک از دوره‌های آموزشی واجد اهمیت و جایگاه خاصی است ولی در این میان رشد و توسعه آموزش عالی از ضرورت ویژه‌ای برخوردار است. چرا که نقش اصلی آن تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور است. بر این اساس می‌توان گفت که امروزه پیشرفت جوامع و بالاخص کشورهای در حال توسعه تا حد زیادی در گرو گسترش نهادهای دانشگاهی است.

به‌رغم ضرورت بسط و گسترش آموزش عالی در سطح جوامع، ذکر این نکته الزامی است که هزینه اجرای طرح‌های توسعه مربوط به آموزش عالی که می‌تواند شامل تأسیس و تجهیز دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی باشد، بسیار بیشتر از سایر دوره‌های آموزشی بوده و سهم قابل توجهی از بودجه کشورها را به خود اختصاص می‌دهد. وجود همین نکته موجب گردیده تا طی چند دهه گذشته برخی از کشورها با چالش جدی رو به رو شوند. چرا که از سویی با افزایش تقاضای اجتماعی برای ورود به آموزش عالی مواجه بوده و از سویی دیگر محدودیت عمومی منابع مالی به‌عنوان مانع جدی بر سر راه گسترش آموزش عالی خودنمایی می‌کند. وجود چالش‌هایی از این قبیل موجب شده تا به خصوصی‌سازی به‌عنوان ابزاری برای غلبه بر این موارد نگریسته شود.

گسترش خصوصی‌سازی آموزش عالی به شیوه‌های مختلف در سال‌های اخیر نقش مهمی در گسترش خدمات آموزشی داشته است. این نقش و سهم را به خصوص در مناطق آسیایی و اقیانوسیه می‌توان به خوبی مشاهده کرد. در ایران نیز از حدود ۶ دهه پیش، مشارکت بخش خصوصی در آموزش عالی مورد توجه قرار گرفت و به تدریج از سال ۱۳۳۷ به بعد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی خصوصی یکی پس از دیگری تأسیس شده و به فعالیت پرداخته است. البته آموزش عالی غیردولتی در طول دوره فعالیت خود مسیر پر فراز و نشیبی را پشت سر نهاده است به نحوی که می‌توان به سهولت دو دوره مشخص زمانی را برای فعالیت آن در نظر گرفت. دوره اول که از سال ۱۳۳۷ و با تأسیس نخستین مؤسسه آموزش عالی خصوصی آغاز گردیده و تا پیش از انقلاب فرهنگی ادامه داشته است. دوره دوم فعالیت این بخش در آموزش عالی در سال‌های پس از انقلاب فرهنگی شروع شده و با نوسانات قابل توجهی تاکنون (۱۳۹۵) ادامه یافته است.

هم‌اینک مؤسسات آموزش عالی غیردولتی جزء مهمی از سیستم آموزش عالی کشور به شمار می‌آید و بدون آن که هزینه‌چندانی را به دولت تحمیل کند، بخش مهمی از تقاضای اجتماعی موجود را پاسخ می‌دهد اما این نکته به معنی آن نیست که هیچ‌گونه آسیب و یا اشکالی در این مؤسسات وجود ندارد، بلکه بررسی‌های مقدماتی گویای وجود آسیب‌هایی در مراکز یاد شده است

که حتی در برخی از موارد، ادامه فعالیت‌شان را با مخاطره جدی روبرو ساخته است. البته نوع این آسیب‌ها و شدت آن در تمامی مؤسسات آموزش عالی خصوصی یکسان نبوده و نمی‌توان وجود آن را به آسانی به تمامی مراکز تأمین داد. از این رو پژوهش حاضر، مطالعه این مبحث را مورد توجه قرار داده و درصدد دستیابی به هدف و پاسخگویی به پرسش‌هایی به شرح زیر است:

هدف تحقیق

هدف اصلی این پژوهش عبارت است از شناسایی آسیب‌های موجود در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی.

سؤال تحقیق

مهم‌ترین آسیب‌های موجود در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی کدام است؟

در ذیل پرسش فوق می‌توان سؤالات زیر را مطرح کرد:

- آسیب‌های موجود در حوزه علمی و پژوهشی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی کدام است؟

- آسیب‌های موجود در حوزه امور آموزشی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی کدام است؟

- آسیب‌های موجود در حوزه امور مالی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی کدام است؟

- آسیب‌های موجود در حوزه امور دانشجویی و فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی کدام است؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مروری بر مطالعات انجام شده درباره جامعه‌شناسی علم و آموزش عالی، حاکی از آن است که علی‌رغم وجود دیدگاه‌های مختلف درباره شکل‌گیری پدیده‌ها و رویداد تغییرات در نهاد علم و آموزش عالی، تلاشی برای تشریح محتوا و رشد نظری علم برحسب ارزش‌ها و ساخت‌های اجتماعی کلان صورت نپذیرفته است. از جمله افرادی که در مطالعات خود به بررسی تحقیقات انجام شده در این حوزه پرداخته، بن داوید است. وی به وجود دو رویکرد کلی در این زمینه قائل است. نخست رویکرد کنش متقابلی که در آن بیشتر به ساختار درونی و مناسبات موجود در این نهاد توجه می‌کند. براساس این رویکرد می‌توان تحقیقاتی در مورد مناسبات درونی گروه‌های تحقیق و تأثیرات‌شان بر تولید علمی، شبکه‌های ارتباطی درون علم، ماهیت و ساختی شدن

روابط درونی حوزه‌های خاص از علم را جای داد و دوم رویکرد نهادی (برون‌گرا) که علم و آموزش عالی در دو وجه شناختی و اجتماعی آن را متأثر از عوامل بیرونی اعم از آن که ریشه در ساختار کلی اجتماعی-اقتصادی داشته و یا منبعث از فرهنگ و ایدئولوژی باشد، فرض می‌کند. بن داوید معتقد است بخش عمده این تحقیقات، صرفاً از نوع توصیفی بوده و فاقد هرگونه چشم‌انداز سیستماتیک-جامعه‌شناختی است (ر.ک توکل، ۱۳۸۹: ۱۱۳-۸۹).

نظر به آن که هدف اصلی این پژوهش شناسایی آسیب‌های موجود در بخش خصوصی آموزش عالی است، لذا می‌توان پیشینه نظری و تجربی آن را در مطالعاتی جستجو کرد که از رویکرد کنش متقابل‌ی برخوردار است. چرا که بروز اختلال در عملکرد این بخش را نه در عوامل بیرونی، بلکه در آسیب‌های موجود در ساختار درونی این بخش و مؤسسات وابسته به آن ریشه‌یابی می‌کند. لازم به ذکر است هرچند تاکنون نظریه منسجمی درباره شکل‌گیری آسیب‌ها در درون نهاد علم و مؤسساتی که به امر تولید و نشر آن می‌پردازند، ارائه نشده ولی برای شناسایی آسیب‌های مذکور و نحوه بروز آن، می‌توان از نتایج مطالعات تجربی در این باره استفاده کرد. از جمله این تحقیقات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در پژوهشی که آل لامکی^۱ (۲۰۰۶) درباره توسعه آموزش عالی خصوصی در کشور عمان انجام داده، ضمن تشریح دلایل افزایش تقاضای اجتماعی برای ورود به دانشگاه، به بیان وضعیت آموزش عالی در عمان مبادرت شده است. وی در بخشی از این تحقیق به چالش‌های پیش‌روی بخش خصوصی در آموزش عالی اشاره کرده و وابستگی مالی این بخش به درآمدهای حاصل از شهریه دریافتی از دانشجویان را در زمره آسیب‌های موجود در این گونه مراکز می‌داند.

کرونکوویچ و پوزگا^۲ (۲۰۰۷) در مقاله خود تحت عنوان «دلایل و الگوهای خصوصی‌سازی در آموزش عالی» از پایین آمدن کیفیت آموزش به دلیل عرضه زیاد، به‌عنوان یکی از آسیب‌های مطرح در بخش خصوصی آموزش عالی یاد کرده‌اند.

تیلاک^۳ (۲۰۰۸) در مقاله «روند فعلی آموزش عالی خصوصی در آسیا»، پایین آمدن کیفیت آموزش به دلیل عرضه زیاد را یک آسیب مطرح در آموزش عالی خصوصی کشورهای آسیایی می‌داند.

در پژوهشی تحت عنوان طراحی چارچوب مناسب به‌منظور توسعه آموزش عالی و مشارکت بخش خصوصی در آن، که توسط نادری و دیگران (۱۳۹۱) انجام شده، ضمن بررسی وضع موجود مؤسسات غیردولتی-غیرانتفاعی، به وجود برخی آسیب‌ها در این گونه مراکز پرداخته شده که از

جمله می‌توان به ضعف در امور فرهنگی و دانشجویی، وابستگی مالی به درآمدهای حاصل از شهریه دریافتی از دانشجویان، کمبود و نارسایی معیشتی و رفاهی اعضای هیأت علمی و سایر کارکنان، کافی نبودن ارتباط با سایر دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های تحقیقاتی، برخوردار نبودن از کتابخانه تخصصی و اینترنت، جذب نکردن اعضای هیأت علمی تمام وقت برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها، کمبود وسایل کارگاهی و آزمایشگاهی و رایانه و فقدان وحدت رویه در بین این گونه مؤسسات، اشاره کرد.

محدثی گیلوئی (۱۳۹۲) در مقاله «پیامدهای تجاری‌شدن فزاینده آموزش عالی در ایران» به پاره‌ای از مسائل و مشکلات موجود در بخش غیردولتی آموزش عالی ایران پرداخته است. وی مواردی از قبیل وابستگی مالی به درآمدهای حاصل از شهریه دریافتی از دانشجویان، توجه صرف به انتقال علم و نپرداختن به تولید آن، وجود دانشجویسالاری، پایین آمدن کیفیت آموزش به دلیل عرضه زیاد و ورود داوطلبان فاقد صلاحیت برای تحصیل را در زمره آسیب‌های موجود در این بخش به شمار آورده است.

در گزارشی که اسدی (۱۳۹۲) برای وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تهیه کرده است، ضمن بررسی وضعیت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی، به پاره‌ای از آسیب‌های موجود در این مراکز پرداخته است که از جمله می‌توان به ضعف در امور فرهنگی و دانشجویی، احتمال بروز مشکلات مالی، ضعف پژوهش و تحقیق و جذب نکردن اعضای هیأت علمی تمام وقت اشاره کرد.

مهرخوان و غمخوار (۱۳۸۷) با استفاده از نتایج مطالعات میدانی، ضمن مروری بر تاریخچه بخش خصوصی آموزش عالی، به بیان آسیب‌های موجود در این مؤسسات پرداخته‌اند. از جمله این موارد می‌توان به ضعف در امور فرهنگی و دانشجویی، مشکل در برگزاری همایش‌های علمی، برخوردار نبودن مؤسسات از کتابخانه تخصصی و اینترنت، همسان بودن رشته‌های موجود در مؤسسات آموزش عالی غیردولتی همجوار و کمبود وسایل کارگاهی و آزمایشگاهی و رایانه، اشاره کرد.

در مقاله «نقدی بر مبانی نظری خصوصی‌سازی مراکز آموزش عالی»، تسنیمی و سجادی (۱۳۸۰) ضمن اشاره به مباحث نظری مطرح در این باره، به نحوه کنترل و کیفیت هدایت مراکز آموزشی، پرداخته‌اند. از جمله مواردی که در این مقاله در زمره آسیب‌های بخش خصوصی آموزش عالی آورده شده، می‌توان به وابستگی مالی این بخش به درآمدهای حاصل از شهریه دریافتی از دانشجویان، اشاره کرد.

توکل (۱۳۹۳) ضمن مطالعات خویش در حوزه آموزش عالی ایران به وجود آسیب‌هایی از قبیل ضعف پژوهش و تحقیق، ناکافی بودن نسبت اعضای هیأت علمی به دانشجو، کمبود وسایل

کارگاهی و آزمایشگاهی و رایانه، توجه به آموزش با دید مادی، پایین آمدن کیفیت آموزش به دلیل عرضه زیاد و ورود داوطلبان فاقد صلاحیت برای تحصیل، در بخش خصوصی آموزش عالی قائل است.

در پژوهشی تحت عنوان «زمینه‌های ایجاد و روند گسترش آموزش عالی خصوصی و میزان پاسخگویی آن به نیازهای اجتماعی» که توسط رفعت‌جاه (۱۳۷۸) انجام شد، ضمن مروری بر روند گسترش آموزش عالی غیردولتی در ایران، به بررسی میزان تطابق عملکرد بخش غیردولتی با اهداف برنامه‌های اول و دوم توسعه پرداخته شده است. وی پایین آمدن کیفیت آموزش به دلیل عرضه زیاد را در زمره آسیب‌های موجود در بخش غیردولتی آموزش عالی به شمار آورده است.

اردشیری (۱۳۸۶) ضمن تشریح و تبیین خصوصی‌سازی، هدف پژوهش خود را عبارت از توضیح و تحلیل فرایند خصوصی‌سازی در مسیر تداوم و توازن عوامل متعدد دولتی-خصوصی می‌داند. وی یکی از مشکلات موجود در بخش خصوصی آموزش عالی را نداشتن امکان حضور در برخی از حوزه‌ها به دلیل نیاز به سرمایه زیاد، ذکر کرده است.

در مقاله «مبانی تاریخی خصوصی‌سازی مدارس و مراکز آموزش عالی در ایران قبل و بعد از انقلاب» که توسط رستمی نسب (۱۳۸۴) نوشته شده، توجه به آموزش با دید مادی در زمره آسیب‌های موجود در بخش خصوصی آموزش عالی در ایران آورده شده است.

در کتاب «اقتصاد آموزش و پرورش»، بالازاده (۱۳۸۵) پایین آمدن کیفیت آموزش به دلیل عرضه زیاد را در شمار آسیب‌های موجود در بخش خصوصی آموزش عالی ذکر کرده است.

با مروری بر مطالعات نظری و تجربی یاد شده می‌توان دریافت بخش خصوصی آموزش عالی در ایران و برخی کشورهای جهان با آسیب‌های مختلفی رو به رو است. این موارد شامل طیف متنوعی از آسیب‌های آموزشی، علمی و پژوهشی، اداری و سازمانی و امور دانشجویی و فرهنگی است که عملکرد کلی این بخش را تحت تأثیر قرار داده است.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری این تحقیق را کلیه مسئولین مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی سطح کشور در سال ۱۳۹۴ تشکیل داده‌اند (۳۵۵ مورد). نظر به تعدد مؤسسات یاد شده و پراکندگی آن در سطح کشور، در این تحقیق از نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی استفاده شده است که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۱۸۶ مورد محاسبه شد. بدین ترتیب که بدواً نسبت نمونه به جامعه کل محاسبه شده و با ضرب کردن آن در تعداد مؤسسات هر استان، تعداد نمونه در هر یک از

استان‌ها مشخص شد که البته پس از گرد کردن اعداد، حجم نمونه در کل مقداری افزایش یافته و به ۲۰۱ مورد بالغ گردید.

جدول شماره ۱. توزیع مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی در سطح استان‌ها

نام استان	تعداد مؤسسه	تعداد نمونه گردآوری شده	نام استان	تعداد مؤسسه	تعداد نمونه گردآوری شده
آذربایجان شرقی	۱۷	۱۲	فارس	۱۳	۸
آذربایجان غربی	۱۲	۵	قزوین	۲۳	۱۴
اردبیل	۵	۱	قم	۱۷	۵
اصفهان	۳۱	۱۸	کردستان	۴	۲
البرز	۲	۲	کرمان	۱۵	۷
ایلام	۲	۱	کرمانشاه	۵	۲
بوشهر	۳	۱	کهگیلویه و بویر احمد	۴	۱
تهران	۱۹	۱۲	گلستان	۱۴	۷
خراسان جنوبی	۲	۲	گیلان	۲۰	۱۱
خراسان رضوی	۳۲	۲۱	لرستان	۶	۴
خراسان شمالی	۳	۳	مازندران	۴۶	۲۵
خوزستان	۶	۳	مرکزی	۱۳	۸
چهارمحال بختیاری	۱	۰	هرمزگان	۳	۰
زنجان	۵	۵	همدان	۷	۵
سمنان	۱۲	۹	یزد	۶	۲
سیستان و بلوچستان	۶	۵	جمع	۳۵۵	۲۰۱

شیوه گردآوری داده‌ها

برای گردآوری داده‌ها در این تحقیق از شیوه پیمایش و ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. بدین منظور ابتدا با سود جستن از مطالعه اسناد و مدارک، مصاحبه عمیق با ۲۷ تن از خبرگان، شرکت در جلسات بحث گروهی و تجربه محقق، فهرستی از آسیب‌های محتمل برای مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی تهیه شد. سپس موارد یاد شده به صورت پرسشنامه مختلط (مربک از سؤالات بسته و باز) تنظیم گردید. این پرسشنامه پس از تست اولیه و سنجش روایی، با استفاده از سامانه ERP متعلق به وزارت علوم، برای کلیه مؤسسات مورد مطالعه ارسال شد. لازم به ذکر است

پاسخگویان پس از جواب دادن به سؤالات پرسش‌نامه، به تدریج آن را از طریق سامانه مذکور و یا روش‌های دیگر مانند فاکس و یا پست، برای محقق بازپس فرستادند.

تعیین روایی و پایایی

برای تعیین روایی صوری (محتوایی)، پرسشنامه در اختیار ۱۴ تن از اساتید دانشگاه و دست‌اندرکاران آموزش عالی قرار گرفت و پس از اعمال اصلاحات پیشنهادی، مورد تأیید واقع شد. برای سنجش روایی سازه‌ای نیز از تحلیل عاملی استفاده شده است که مقدار KMO در کلیه ابعاد تعیین شده، بیشتر از ۰/۷ بود. بنابراین، روایی سازه‌ای با توجه به همبستگی موجود مورد تأیید قرار گرفت. به‌منظور تعیین پایایی پرسشنامه، در ابتدای امر و در مرحله پایلوت تعداد ۳۶ پرسشنامه در بین جامعه آماری که نمونه پژوهش از آن انتخاب شده بود، توزیع و سپس جمع‌آوری گردید و پس از تجزیه و تحلیل داده‌های این پرسشنامه‌ها، ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) برابر با ۰/۹۱۲ به دست آمد. پس از اتمام مرحله گردآوری داده‌ها، بار دیگر از ضریب آلفای کرونباخ برای سنجش پایایی استفاده شد و با توجه به آن که مقدار ضریب مذکور (۰/۹۲۸) از ۰/۷ بیشتر بود، پایایی پرسشنامه نیز مورد تأیید قرار گرفت.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تجزیه و تحلیل یافته‌های این تحقیق از روش کمی استفاده شده و داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS مورد پردازش قرار گرفت. برای تحلیل یافته‌ها ابتدا با استفاده از آمار توصیفی مانند جداول توزیع فراوانی (برحسب درصد) و برخی مشخصه‌های مرکزی و پراکندگی، به توصیف آسیب‌های موجود در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی- غیرانتفاعی پرداخته شد. سپس با استفاده از آمار استنباطی (آزمون T تک نمونه‌ای) به مقایسه میانگین به دست آمده با سطح مورد انتظار اقدام گردید.

یافته‌های پژوهش

در این بخش به تشریح یافته‌های تحقیق درباره آسیب‌های موجود در بخش خصوصی آموزش عالی پرداخته می‌شود. بدین منظور ابتدا نتایج حاصله از آزمون‌های آماری در جدول شماره ۲ ارائه شده و سپس به تحلیل آن مبادرت می‌شود.

جدول شماره ۲. نتایج آزمون‌های آماری انجام شده^۱

نوع آسیب	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معناداری
وابستگی مالی مؤسسات به درآمدهای حاصل از شهریه دریافتی از دانشجویان	۴/۲۸	۰/۹۵	۰/۸۷	۱۹۷	۰/۰۰۰
خالی ماندن ظرفیت پذیرش اعلام شده از سوی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی	۴/۲	۱/۰۸	۱۵/۵۸	۱۹۹	۰/۰۰۰
همسان بودن رشته‌های موجود در مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی همجوار	۴/۰۴	۱/۰۳	۱۴/۲۲	۱۹۷	۰/۰۰۰
نداشتن امکان حضور در برخی از حوزه‌ها مانند پزشکی و علوم پایه به دلیل نیاز به سرمایه زیاد	۳/۵۷	۱/۲۲	۶/۴۴	۱۹۰	۰/۰۰۰
فقدان وحدت رویه در مؤسسات غیرانتفاعی گوناگون	۳/۳۷	۱/۰۷	۴/۹۴	۱۹۸	۰/۰۰۰
کمبود و نارسایی معیشتی و رفاهی اعضای هیأت علمی و سایر کارکنان در مؤسسات	۳/۳۱	۱/۰۵	۴/۱۴	۱۹۹	۰/۰۰۰
نداشتن ارتباط کافی با بخش‌های استفاده کننده از فارغ التحصیلان مؤسسات در جامعه	۳/۱۷	۱/۰۹	۲/۲۱	۱۹۴	۰/۰۲۸
احتمال بروز مشکلات مالی (ورشکستگی) مؤسسات و انحلال آن	۳/۱۵	۱/۳۲	۱/۶۶	۱۹۷	۰/۰۹۷
توجه صرف به انتقال علم و بی‌توجهی به تولید دانش	۳/۰۷	۱/۱	۰/۹	۱۹۴	۰/۳۶۵
ضعف پژوهش و تحقیق در مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی	۲/۹۵	۱/۰۹	-۰/۵۸	۱۹۵	۰/۵۵۷
مشکل در برگزاری همایش‌های علمی	۲/۹	۱/۱۲	-۱/۲	۱۹۷	۰/۲۳۱
ناکافی بودن نسبت اعضای هیأت علمی به دانشجو در مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی	۲/۸۹	۱/۰۵	-۱/۴۱	۱۹۵	۰/۱۵۸
ورود داوطلبان فاقد صلاحیت برای تحصیل در این مؤسسات	۲/۷۸	۱/۲۸	-۲/۳۷	۱۹۶	۰/۰۱۸
جذب نکردن اعضای هیأت علمی تمام وقت برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها	۲/۶۷	۱/۱	-۴/۱۲	۱۹۶	۰/۰۰۰
کافی نبودن ارتباط مؤسسات با سایر دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی	۲/۶۳	۰/۹۵	-۵/۳۹	۱۹۸	۰/۰۰۰
به کار بستن روش مدیریت دولتی در مؤسسات	۲/۶۲	۱/۱۵	-۴/۵۹	۱۹۷	۰/۰۰۰

۱. در جدول شماره (۲) دامنه تغییرات میانگین از ۱ تا ۵ در نظر گرفته شده و برای تعیین موقعیت هریک از موارد از یک طیف پنج قسمتی (از بسیار زیاد تا بسیار کم) استفاده شده است.

غیرانتفاعی					
۰/۰۰۰	۱۹۷	-۶/۰۶	۱/۱	۲/۵۲	وجود دانشجویسالاری به دلیل وابستگی به شهریه دانشجویان
۰/۰۰۰	۱۹۶	-۱۱/۰۳	۰/۹۸	۲/۲۲	کمبود وسایل کارگاهی و آزمایشگاهی و رایانه
۰/۰۰۰	۱۹۵	-۱۰/۰۳	۱/۰۸	۲/۲۲	توجه به آموزش با دید مادی
۰/۰۰۰	۱۹۶	-۱۲/۰۱	۱/۰۴	۲/۱	عدم برخورداری مؤسسات از کتابخانه تخصصی و اینترنت
۰/۰۰۰	۱۹۷	-۱۳/۰۹	۰/۹۶	۲/۱	ضعف در امور فرهنگی و دانشجویی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی
۰/۰۰۰	۱۹۸	-۱۹/۳	۰/۸۶	۱/۸	پایین آمدن کیفیت آموزش به دلیل عرضه زیاد

با توجه به نتایج آزمون‌های آماری مندرج در جدول شماره (۲) می‌توان دریافت از مجموع ۲۲ آسیب مورد مطالعه، تنها وجود ۱۲ آسیب در حد انتظار و یا بیشتر از آن بوده است و ۱۰ مورد دیگر به نحو معناداری کمتر از آن قرار دارد. بر این پایه در ادامه صرفاً به تشریح مواردی پرداخته می‌شود که بروز آن در بخش خصوصی آموزش عالی مورد تأیید قرار گرفته است. لازم به ذکر است ترتیب ذکر موارد برحسب میزان اهمیت آن است.

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی مانند سایر مراکز دانشگاهی برای انجام مأموریت خود در امور آموزشی، پژوهشی و فرهنگی، نیاز به منابع مالی کافی دارند. در بخش دولتی آموزش عالی، تأمین این منابع معمولاً از طریق دریافت بودجه از دولت و یا کسب درآمدهای اختصاصی صورت می‌گیرد و این در حالی است که بیشتر مراکز آموزش عالی غیرانتفاعی نه امکان استفاده از بودجه دولتی را داشته و نه از درآمدهای اختصاصی چندانی برخوردارند و منابع مالی آنها صرفاً از طریق دریافت شهریه از دانشجویان تأمین می‌شود. نظر به آن که درآمد مذکور متأثر از عوامل گوناگون، دستخوش تغییر مکرر است، وابستگی بدان می‌تواند پیامدهای منفی را برای این گونه مراکز به همراه داشته باشد. نتایج تحقیق در این باره حاکی از آن است که ۸۳/۸ درصد از مسئولین مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، وجود این آسیب را در سطح زیاد و یا بسیار زیاد پذیرفته‌اند. ۱۱/۱ درصد نیز وجود آن را تا حدی قبول کرده و این در حالی است که تنها ۵ درصد آن را در سطح کم و بسیار کم گفته‌اند. در مجموع با توجه به میانگین به دست آمده (۴/۲۸) می‌توان وجود این آسیب در مراکز یاد شده را در سطح بسیار زیاد ارزیابی کرد.

خالی ماندن ظرفیت پذیرش اعلام شده از سوی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، یکی دیگر از آسیب‌های مطرح در این گونه مراکز است. این پدیده که خود متأثر از رویداد عواملی چند نظیر کاهش تقاضای اجتماعی ورود به دانشگاه، رشد بی‌رویه مراکز آموزش عالی در دو دهه اخیر

و افزایش بیش از پیش ظرفیت سایر خرده‌نظام‌های آموزش عالی است، از سویی موجب اختلال در برنامه‌ریزی آموزشی مؤسسات غیرانتفاعی شده و از سوی دیگر به دلیل وابستگی این مراکز به درآمد ناشی از دریافت شهریه دانشجویی که پیش از این بدان اشاره شد، مشکلات مالی را برای آن‌ها در پی داشته است. مروری بر نتایج تحقیق گویای آن است که ۷۸/۶ درصد از مسئولین این گونه مراکز، وجود آسیب فوق را در سطح بسیار زیاد و زیاد گفته‌اند. ۱۱/۹ درصد نیز وجود آن را تا حدی دانسته و تنها ۹/۵ درصد بروز آن را در سطح کم و یا بسیار کم گفته‌اند. به هر ترتیب با توجه به میانگین به دست آمده (۴/۲۰) می‌توان احتمال وجود این آسیب را در سطح زیاد مورد پذیرش قرار داد.

یکی دیگر از آسیب‌های مطرح در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، همسان بودن رشته‌های موجود در مؤسسات آموزش عالی غیردولتی همجوار است. این نکته که به دلیل بی‌توجهی به آمایش سرزمینی در صدور مجوز برای توسعه این مراکز روی داده، در برخی از نقاط کشور که مراکز متعددی در مجاورت یکدیگر دایر شده‌اند، از نمود بیشتری برخوردار است. چرا که از سویی تعداد داوطلبان ورود به دانشگاه، کاهش یافته و از سوی دیگر همین تعداد کم نیز بین مؤسسات همجوار، توزیع می‌شوند و این خود بر خالی ماندن ظرفیت اغلب این مراکز و پیامدهای ناشی از آن، تأثیر به‌سزایی دارد. با مروری بر یافته‌های تحقیق در این باره می‌توان دریافت که از مجموع مسئولین مؤسسات مورد بررسی، ۷۷/۳ درصد وجود این آسیب را در سطح زیاد و یا بسیار زیاد، ۱۴/۶ درصد نیز وجود آن را تا حدی و ۸ درصد نیز آن را در سطح کم یا بسیار کم گفته‌اند. براساس میانگین به دست آمده (۴/۰۴) می‌توان از منظر پاسخگویان، وجود این آسیب را تا حد زیادی مورد تأیید قرار داد.

نداشتن حضور در برخی از حوزه‌ها مانند پزشکی و علوم پایه از جمله آسیب‌های مطرح درباره دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، است. این پدیده که می‌تواند متأثر از عوامل گوناگون نظیر سرمایه‌بر بودن برخی از رشته‌ها و یا عدم تقاضای اجتماعی برای تحصیل در برخی دیگر باشد، موجب شده تا مؤسسات غیرانتفاعی از پرداختن بدان باز مانده و به دایر کردن رشته‌های دیگر نظیر علوم انسانی و فنی و مهندسی روی آورند که البته این نکته نیز زمینه‌ساز عدم توازن در عرضه رشته‌های مختلف دانشگاهی می‌شود. یافته‌های تحقیق در این باره گویای آن است که ۵۸/۱ درصد از مسئولین این گونه مؤسسات به وجود چنین آسیبی در سطح زیاد و یا بسیار زیاد قائل هستند. ۲۳/۶ درصد از آنان نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و این در حالی است که ۱۸/۳ درصد آن را در سطح کم و یا بسیار کم گفته‌اند. به هر ترتیب با توجه به میانگین به دست آمده (۳/۵۷) می‌توان اظهار داشت از نظر پاسخگویان وجود این آسیب در سطح زیاد مورد پذیرش است.

از دیگر مواردی که به‌عنوان یک آسیب در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی مطرح است، فقدان وحدت رویه در بین مراکز یاد شده می‌باشد. این مؤسسات، اگرچه براساس مفاد یک آیین‌نامه معین، تأسیس شده و به فعالیت پرداختند اما از نظر نحوه جذب و پذیرش دانشجوی، دریافت شهریه، ارائه خدمات آموزشی و فعالیت‌های پژوهشی خطمشی متفاوتی دارند. این نکته موجب شده تا مراکز یاد شده از تنوع کمی و کیفی قابل توجهی برخوردار شده و در برابر چالش‌های مختلف، نتوانند به صورت هماهنگ و سازمان‌یافته عمل کنند. با مروری بر یافته‌های پژوهش می‌توان دریافت از مجموع مسئولین مؤسسات غیرانتفاعی ۴۵/۲ درصد بروز این آسیب را در سطح زیاد و بسیار زیاد مورد تأیید قرار داده‌اند. ۳۵/۷ درصد نیز آن را تا حدی پذیرفته و این در حالی است که ۱۹/۱ درصد از آنان وجود این آسیب را در سطح کم و یا بسیار کم گفته‌اند. با توجه به میانگین به دست آمده (۳/۳۷) می‌توان بروز این آسیب را تا حدودی مورد تأیید قرار داد.

کمبود و نارسایی معیشتی و رفاهی اعضای هیأت علمی و سایر کارکنان، از دیگر مواردی است که به‌عنوان یک آسیب در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی مطرح است. مطالعات انجام شده حاکی از آن است که اعضای هیأت علمی و کارکنان این مؤسسات در مقایسه با همکاران خود در بخش دولتی از حقوق و مزایای مادی کمتری برخوردارند. این وضعیت را می‌توان در موارد دیگر نظیر امنیت و ثبات شغلی نیز مشاهده کرد. این نکته می‌تواند موجب نارضایتی شغلی و در نتیجه کاهش بهره‌وری پرسنل این مراکز شود. مروری بر یافته‌های تحقیق گویای آن است که ۴۱/۸ درصد از مسئولین این قبیل مؤسسات، وجود چنین آسیبی را در سطح زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. ۳۸/۸ درصد نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و البته ۱۹/۴ درصد از آنان نیز وجود آن را در سطح کم یا بسیار کم گفته‌اند. با توجه به میانگین حاصله (۳/۳۱) می‌توان وجود این آسیب را تا حدودی مورد پذیرش قرار داد.

یکی دیگر از آسیب‌های مطرح در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، نداشتن ارتباط کافی با بخش‌های به‌کارگیرنده فارغ‌التحصیلان در جامعه است. علی‌رغم آن که به‌زعم برخی صاحب‌نظران، برون‌داده‌های این بخش تناسب چندانی با نیازهای واقعی کشور ندارد، شواهد امر حاکی از آن است که از سوی مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی نیز تلاش کافی برای برقراری ارتباط با بخش‌های استفاده‌کننده در جامعه صورت نمی‌گیرد. این نکته که در برخی دیگر از زیرنظام‌های آموزش عالی نیز به چشم می‌خورد، موجب عدم تناسب دانش‌آموختگان این مراکز با نیازهای موجود در بازار کار شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که ۴۰/۵ درصد از مسئولین مؤسسات، وجود این آسیب را در سطح زیاد و یا بسیار زیاد پذیرفته‌اند. ۳۳/۸ درصد نیز وجود آن را تا حدی قبول کرده و این در حالی است که ۲۵/۶ درصد آن را در سطح کم و بسیار

کم گفته‌اند. در مجموع با توجه به میانگین به دست آمده (۳/۱۷) می‌توان وجود این آسیب در مراکز یاد شده را تا حدودی مورد تأیید قرار داد.

بروز مشکلات مالی، در زمره آسیب‌های مطرح شده در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی است. این نکته که خود متأثر از رویداد برخی آسیب‌ها و چالش‌های دیگر نظیر خالی ماندن ظرفیت، عدم تناسب شهریه دریافتی با مخارج و... است، می‌تواند موجب ورشکستگی و حتی انحلال این‌گونه مراکز شود. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ۴۳/۴ درصد از مسئولین مؤسسات، بروز آسیب یاد شده را در سطح زیاد و حتی بسیار زیاد برآورد کرده‌اند. ۲۳/۷ درصد وجود آن را تا حدی پذیرفته و ۳۲/۸ درصد وجود آن را کم و یا بسیار کم ارزیابی کرده‌اند. با توجه به میانگین حاصله (۳/۱۵) می‌توان وجود این آسیب را در مؤسسات مذکور تا حدودی مورد پذیرش قرار داد.

یکی دیگر از آسیب‌های مطرح در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، توجه صرف به انتقال علم و نپرداختن به تولید آن است. به تعبیر دیگر از مجموع سه کارکرد اصلی دانشگاه یعنی تولید، انتقال و کاربردی کردن علم، برخی معتقدند در این گونه مراکز صرفاً به انتقال علم یا همان آموزش پرداخته می‌شود و به دیگر کارکردهای یاد شده چندان توجه نمی‌گردد. با مروری بر یافته‌های تحقیق می‌توان دریافت که از مجموع مسئولین مؤسسات مورد بررسی، ۳۶/۹ درصد بروز این آسیب را در سطح زیاد و یا بسیار زیاد، ۳۳/۳ درصد نیز وجود آن را تا حدی و ۲۹/۷ درصد نیز آن را در سطح کم یا بسیار کم گفته‌اند. براساس میانگین به دست آمده (۳/۰۷) می‌توان از منظر پاسخگویان، وجود این آسیب را تا حدودی مورد تأیید قرار داد.

ضعف پژوهش و تحقیق، یکی از آسیب‌های مطرح درباره بخش خصوصی آموزش عالی است. انجام فعالیت‌های پژوهشی نیازمند پژوهشگران مجرب، بودجه کافی و امکانات مورد نیاز است که البته تمامی آن‌ها مستقیم یا غیرمستقیم متأثر از منابع مالی موجود در مراکز دانشگاهی است. نظر به آن که بخش خصوصی آموزش عالی همواره با مشکل تأمین منابع مالی، رو به رو است، انتظار می‌رود در این گونه مؤسسات ضعف پژوهش و تحقیق وجود داشته باشد. یافته‌های تحقیق گویای آن است که ۳۰/۷ درصد از مسئولین این‌گونه مؤسسات به وجود چنین آسیبی در سطح زیاد و یا بسیار زیاد قائل هستند. ۳۷/۸ درصد از آنان نیز وجود آن را تا حدی پذیرفته و این در حالی است که ۳۱/۶ درصد آن را در سطح کم و یا بسیار کم گفته‌اند. به هر ترتیب با توجه به میانگین به دست آمده (۲/۹۵) می‌توان اظهار داشت وجود این آسیب تا حدودی مورد پذیرش قرار گرفته است.

یکی دیگر از آسیب‌های مطرح در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی، مشکل در برگزاری همایش‌های علمی است. هر یک از این همایش‌ها، مستلزم صرف هزینه، بر خورداری از

هیأت علمی، فضا و امکانات لازم است. عدم حمایت مالی از مؤسسات غیرانتفاعی موجب شده، این مراکز انگیزه‌ای برای برپایی همایش‌های علمی نداشته باشند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که ۳۱/۸ درصد از مسئولین این‌گونه مراکز، وجود این آسیب را در سطح زیاد و یا بسیار زیاد پذیرفته‌اند. ۳۲/۳ درصد نیز وجود آن را تا حدی قبول کرده و این در حالی است که ۳۵/۸ درصد آن را در سطح کم و بسیار کم گفته‌اند. در مجموع با توجه به میانگین به دست آمده (۲/۹۰) می‌توان وجود این آسیب در مراکز یاد شده را تا حدودی مورد تأیید قرار داد.

ناکافی بودن نسبت اعضای هیأت علمی به دانشجو، یکی دیگر از آسیب‌های مطرح در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی است. بر پایه آمار منتشره از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری می‌توان دریافت از نظر نسبت اعضای هیأت علمی به دانشجو، مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی با داشتن نسبت ۱ به ۱۶۸/۴۲ با آنچه در قانون برنامه چهارم و پنجم توسعه آورده شده (نسبت ۱ به ۴۰) فاصله زیادی دارد. هم‌چنین در مقایسه با سایر زیرنظام‌های آموزش عالی نیز می‌توان گفت این مؤسسات از نظر شاخص یاد شده پس از دانشگاه‌های وابسته به دستگاه‌های اجرایی، وزارت علوم، دانشگاه آزاد و فنی حرفه‌ای، در رتبه پنجم قرار گرفته‌اند و این در حالی است که از سایر زیرنظام‌های آموزش عالی نظیر پیام نور و جامع علمی-کاربردی وضعیت بهتری دارد. بدیهی است وجود این نکته می‌تواند آثار و پیامدهای منفی به‌ویژه در امور آموزشی و پژوهشی را به همراه داشته باشد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که ۲۸/۶ درصد از مسئولین این‌گونه مراکز، وجود این آسیب را در سطح زیاد و یا بسیار زیاد پذیرفته‌اند. ۳۷/۸ درصد نیز وجود آن را تا حدی قبول کرده و این در حالی است که ۳۳/۶ درصد آن را در سطح کم و بسیار کم گفته‌اند. در مجموع با توجه به میانگین به دست آمده (۲/۸۹) می‌توان وجود این آسیب در مراکز یاد شده را تا حدودی مورد پذیرش قرار داد.

بحث و نتیجه‌گیری

مروری بر آنچه آورده شد گویای آن است که در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی، آسیب‌های گوناگونی وجود دارد. این موارد برحسب نوع فعالیت مراکز یاد شده در چهار حوزه علمی و پژوهشی، آموزشی، اداری و سازمانی و امور دانشجویی و فرهنگی قابل دسته‌بندی و تحلیل است.

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی در امور علمی و پژوهشی با آسیب‌هایی چند رو به رو هستند. از جمله مواردی که مسئولین مؤسسات یاد شده تا حدودی به وجود آن قائل‌اند، می‌توان به توجه صرف به انتقال علم و نپرداختن به تولید آن، ضعف پژوهش و تحقیق و مشکل در برگزاری همایش‌های علمی در این‌گونه مراکز اشاره کرد. یافته‌های مذکور با

نتایج مطالعات محدثی گیلوئی (۱۳۹۲)، توکل (۱۳۹۳)، اسدی (۱۳۹۲) و مهرخوان و غمخوار (۱۳۸۷)، در این باره همخوانی دارد. لازم به ذکر است پاسخگویان، بروز آسیب‌هایی از قبیل کافی نبودن ارتباط با سایر دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های تحقیقاتی، توجه به آموزش با دید مادی و عدم برخورداری مؤسسات از کتابخانه تخصصی و اینترنت را در سطح کم ارزیابی کرده‌اند. یافته‌های مذکور با نتایج مطالعات نادری و دیگران (۱۳۹۱)، کرونگوویچ و پوزگا (۲۰۰۷)، توکل (۱۳۹۳)، رستمی‌نسب (۱۳۸۷) و مهرخوان و غمخوار (۱۳۸۷)، در این باره همخوانی ندارد.

امور آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی، با آسیب‌های گوناگونی رو به رو است. مسئولین این گونه مراکز مهم‌ترین آسیب موجود در این زمینه را خالی ماندن ظرفیت پذیرش اعلام شده از سوی این مؤسسات می‌دانند و میزان رو به رو شدن با آن را در سطح بسیار زیاد ذکر کرده‌اند. پاسخگویان هم‌چنین وجود برخی از آسیب‌های دیگر از جمله همسان بودن رشته‌های موجود در مؤسسات هم‌جوار و نداشتن امکان حضور در برخی از حوزه‌ها مانند پزشکی و علوم پایه را در سطح زیاد می‌دانند. ضمناً از نظر مسئولین مؤسسات یاد شده، این مراکز تا حدودی با مواردی از قبیل ضعف در برقراری ارتباط بین مؤسسات با بخش‌های استفاده‌کننده از فارغ‌التحصیلان و ناکافی بودن نسبت اعضای هیأت علمی به دانشجو، رو به رو هستند. این یافته‌ها با نتایج مطالعات آل لامکی (۲۰۰۶)، آهون منش (۱۳۹۲)، مهرخوان و غمخوار (۱۳۸۷)، کرونگوویچ و پوزگا (۲۰۰۷)، تیلاک (۲۰۰۹)، مطلبی فرد و دیگران (۱۳۹۵)، رفعت‌جاه (۱۳۷۸)، بالازاده (۱۳۸۵) و اردشیری (۱۳۸۶)، در این باره همخوانی دارد. لازم به ذکر است پاسخگویان بروز آسیب‌هایی از قبیل ورود داوطلبان فاقد صلاحیت برای تحصیل در دانشگاه، عدم جذب اعضای هیأت علمی تمام وقت (برای صرفه‌جویی در هزینه‌ها)، مشکل کمبود وسایل کارگاهی و آزمایشگاهی و رایانه و پایین آمدن کیفیت آموزش به دلیل عرضه زیاد در مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی را در سطح کم ارزیابی کرده‌اند. از این رو می‌توان گفت یافته‌های مذکور با نتایج مطالعات کرونگوویچ و پوزگا (۲۰۰۷)، تیلاک (۱۳۹۰)، نادری و دیگران (۱۳۹۱)، محدثی گیلوئی (۱۳۹۲)، بالازاده (۱۳۸۵)، رفعت‌جاه (۱۳۷۸)، اسدی (۱۳۹۲)، توکل (۱۳۹۳) و مهرخوان و غمخوار (۱۳۸۷)، در این باره همخوانی ندارد.

دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی هم‌چنین با آسیب‌های مختلفی در امور مالی، اداری و سازمانی رو به رو هستند. مسئولین مراکز یاد شده در این میان مهم‌ترین آسیب را وابستگی مالی مؤسسات به درآمدهای حاصل از شهریه دریافتی از دانشجویان دانسته و میزان رو به رو شدن با آن را در سطح بسیار زیاد ارزیابی کرده‌اند. آنان هم‌چنین بروز آسیب‌هایی از قبیل فقدان وحدت رویه در مؤسسات غیرانتفاعی، کمبود و نارسایی معیشتی و رفاهی اعضای هیأت علمی و سایر کارکنان و احتمال بروز مشکلات مالی در این گونه مؤسسات را تا حدودی

مورد تأیید قرار داده‌اند. یافته‌های مذکور مؤید نتایج مطالعات آل لامکی (۲۰۰۶)، اسدی (۱۳۹۲)، محدثی گیلوئی (۱۳۹۲)، تسنیمی و سجادی (۱۳۸۰)، معدن‌دار آرانی (۱۳۹۲)، نادری (۱۳۹۱) و آهون منش (۱۳۹۲)، در این باره است. لازم به ذکر است مسئولین مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی بروز آسیب‌هایی مانند به کار بستن روش مدیریت دولتی و وجود دانشجویسالاری به دلیل وابستگی به شهریه دانشجویان در این گونه مراکز را در سطح کم می‌دانند و این نکته با نتیجه مطالعه محدثی گیلوئی (۱۳۹۲)، در این باره همخوانی ندارد.

علاوه بر آنچه آورده شد، درباره امور دانشجویی و فرهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی، آسیب‌هایی چند مطرح است که البته به نظر مسئولین این گونه مراکز، ضعف چندان در این باره وجود نداشته و میزان رو به رو شدن با آسیب یاد شده صرفاً در سطح کم مورد تأیید قرار گرفته است. شایان ذکر است یافته مذکور با نتایج مطالعات مهرخون و غمخوار (۱۳۸۷)، نادری و دیگران (۱۳۹۱) و اسدی و دیگران (۱۳۹۲)، در این باره همخوانی ندارد.

راهکارهای پیشنهادی

برای بهبود بخشیدن به وضعیت بخش خصوصی آموزش عالی و ارتقاء سطح کیفی آن، موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- درآمد دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی محدود به دریافت شهریه از دانشجویان بوده که این مبالغ صرفاً می‌تواند بخشی از هزینه‌های آموزشی را تأمین نماید. لذا برای تولید علم و کاربردی کردن آن لازم است منابع مالی کافی از سوی دولت در اختیار این گونه مراکز قرار گیرد.

- وزارت علوم برای جلوگیری از خالی ماندن ظرفیت بخش خصوصی لازم است نسبت به ساماندهی خرده نظام‌های آموزش عالی در کشور اقدام کرده و در صدور مجوز برای ایجاد مؤسسات جدید و توسعه رشته‌ها و مقاطع، به طرح آمایش سرزمینی توجه نماید.

- تأسیس یک سازمان مستقل برای ساماندهی و هماهنگی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی، می‌تواند به بخشی از مشکلات ناشی از ناهماهنگی این مراکز از جمله وجود رشته‌های همسان در مؤسسات همجوار و نظایر آن، فائق آید.

- مؤسسات آموزش عالی غیرانتفاعی باید نسبت به تأمین درآمد از طرق دیگر (نظیر اجرای طرح‌های پژوهشی، برگزاری دوره‌های اختصاصی و نظایر آن) اقدام کرده و وابستگی خود را به شهریه دانشجویی کاهش دهند.

- دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی-غیرانتفاعی با جذب اعضای هیأت علمی تمام وقت، گسترش امکانات کارگاهی، آزمایشگاهی و سایر تجهیزات آموزشی، توسعه منابع علمی و

برقراری ارتباط با سایر مراکز علمی و پژوهشی می‌توانند سطح کیفی خدمات خود را افزایش بخشیده و به مراکزی برای پذیرش متقاضیان نخبه و واجد صلاحیت برای تحصیل، مبدل شوند.

منابع

- Ahoonmanesh, A. (2013). The survival of non-profit universities is at stake. *Personal communication, University union and non-profit and non-government higher education institutions*. Retrieved from www.inguu.org
- Al-Lamki, S. M. (2006). The development of private higher education in the sultanate of Oman: perception and analysis. *International Journal of Private Education*, 3, 54-77.
- Ardehshiri, M. (2006). Privatization of higher education: goals, methods, financing and cost analysis. *Institute for Humanities and Cultural Studies*, 55, 349-378.
- Asadi, F. (2011). *Challenges of non-governmental, non-profit higher education institutions*. (Doctoral dissertation, Tajik National University).
- Asadi, F. (2013). *Report by Iran's Ministry of Science, Research and Technology, office of Non-Governmental Higher Education*. unpublished manuscript.
- Balazadeh, M. (2008). *The economics of education*. Tehran: Taravat.
- Crnkovic, B. & Pozega, Z. (2008). Causes and models of privatization in higher education. *Interdisciplinary Management Research*, 4, 124-134.
- Khedmatian, A. (2012). *Examining strengths and weaknesses of some of aspects of Iran's higher education privatization from experts' view and presenting solutions for improvement*. (Master's thesis, Shahed University).
- Madandar Arani, A. (2013). Semantic reconstruction of non-governmental schools stopped activities: A grounded analysis. *Journal of Management and Planning in Educational Systems*, 6 (11), 88-110.
- Mahmoud. A. A. (2008). Challenges facing the privatization of higher education in the Arab world. In *Proceeding of the International Conference*, Ahlia University, Kingdom of Bahrain, 3-4 June (pp. 15-20), London, Taylor & Francis Group.
- Mehrkhani, A. & Ghamkhar, Q. (2008). *Non-profit, non-governmental higher education institutes (Examining capabilities, challenges, and strategies)*. Mashhad: Ahanghehghalam.
- Mohaddesi Kilvaei, H. (2013). Consequences of increasing commercialization of Iran's higher education. *Ketabmah Social Sciences*, 69, 94-95.
- Motalebifar, A., Arasteh, H., Navehebrahim, A. & Abdollahi, B., (2017). The study of the effective factors in formation and development of malfunctioning in Iran's higher education. *Journal of Management and Planning in Educational System*, 9 (17), 9-40.
- Naderi, Q. (2012). Higher education plan provision conducted by a non-profit developmental workgroup, from 2010-2012. *Iran's Ministry of Science, Research and Technology, Office of Non-Governmental Higher Education*.
- Rafatjah, M. (1999). Examining the position of private higher education in Iran's higher education system (preparing the ground for creation and development of private higher education and its assistance to social needs). *Research project, Institute for Research and Planning in Higher Education*.

- Rostaminasab, A. (2005). Historical foundations of the privatization of schools and higher education centers in Iran before and after the revolution. *Letter of Humanities*, 12, 41-82.
- Sotoudeh, H. (2005). *Social pathology (sociology of deviance)*. Tehran: Avayenoor.
- Strehl, F., Reisinger, S., & Kalatschan, M. (2006). OECD, Funding systems and their effects on higher education systems: Country study-Austria. *Institute of strategic Management Johannes Kepler University Linz*.
- Tasnimi, A., & Sajjadi, M. (2001). Critiquing theoretical foundation of privatization in higher education centers. *Journal of Research and Planning in Higher Education*, 7(2). 15-42.
- Tavakol, M. (2010). *Sociology of science: Theoretical topics*. Tehran: Jameeshenasan.
- Tavakol, M. (2015, March 15). When everybody gets a doctorate degree. *Norouznameh, Ettela'at New Year Special Edition*, 22-25.
- Tilak, J. B. G. (2008). Current trends in private higher education in Asia. In *Proceeding of the International Conference of Privatization*, January 7-8, (pp 113-143), Samuel Neaman Press.
- Tilak, J. B. G. (2009). Private sector in higher education: A few stylized facts. *Social Change*, 39 (1), 1-28.
- Wilkinson, R. & Yussof L. (2005). Public and private provision of higher education in Malaysia: A comparative analysis. *Higher Education*, 50 (3), 361-386.